

قدمت تمدن نه هزارساله دشت قزوین

دکتر عباس زمانی

استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی
و عضو هیأت بررسی و حفاری دانشگاه تهران
در دشت قزوین

لغایت پانزدهم مهرماه ، در قسمتی از آن به حفاری پرداخت و در نتیجه این حفاریها آثار تمدنی مداوم و درخشان ، از هزاره هفتم تا هزاره اول قبل از میلاد ، به نحو قابل ملاحظه ای آشکار گردید و با وجود تپه‌هایی مربوط به دوران تاریخی و اسلامی و توجه به تهمیمی که در ادامه کاوشها و عملیات حفاری می‌باشد امید است دوران تمدنی ممتد و نه هزارساله دشت قزوین روشن گردد و در طبعه بندی سایر تمدنهای داخل فلات ایران مؤثر باشد^۱.

اضافه بر هدفهای تحقیقی و اکتشافی ، بر طبق برنامه‌ای که گروه باستان‌شناسی و تاریخ هنر تنظیم کرده دانشجویان دوره لیسانس یک ترم نیمساله و دانشجویان دوره فوق لیسانس معادل شش واحد می‌باید در عملیات حفاری شرکت کنند تا در وظائفی که پس از فراغ از تحصیل به عهده می‌گیرند بخوبی از عهده برآیند^۲.

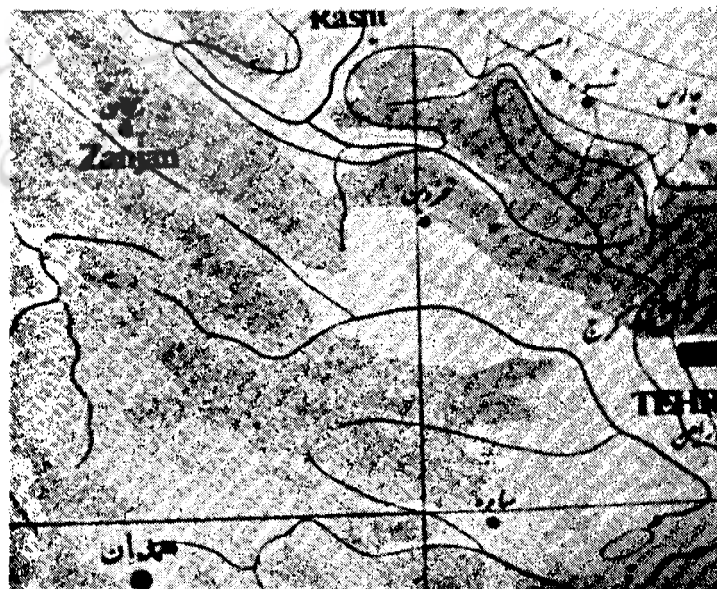
بنابراین دشت قزوین ، که اولین حوزه عملیات تحقیقی و آموزشی دانشگاه می‌باشد ، دارای اهمیت خاص و درخور آن است که به اختصار و جداگانه تمدن و قدمت تاریخی آن مورد تذکر قرار گیرد و حوزه عملیات حفاری تا اندازه‌ای معرفی گردد .

جغرافیای تاریخی سرزمین قزوین :

سرزمین قزوین از شمال به گیلان ، از مشرق به تهران ، از مغرب به زنجان ، از جنوب به ساوه و همدان محدود است^۳. این سرزمین از شمال و مغرب و جنوب محاط در رشته‌های جبال

در اردیبهشت ۱۳۴۹ خورشیدی دانشگاه تهران به پیشنهاد گروه باستان‌شناسی و تاریخ هنر دانشکده ادبیات و علوم انسانی امتیاز بررسی و حفاری سرزمین قزوین را از وزارت فرهنگ و هنر تحصیل نمود و با بررسی‌های مقدماتی در سال ۱۳۴۹ ، از بیستم تیر لغایت آذرماه ، و در سال ۱۳۵۰ ، از هجدهم تیر

دشت قزوین که به شکل گلابی و فقط از سمت مشرق باز است و شهر قزوین در شمال آن واقع است



وازشمال غربی به جنوب شرقی روان میشود و پس از مشروب کردن آبادیهای زیاد بالاخره در حدود فارسجین و ضیاءآباد به رودخانه خروود می‌ریزد .

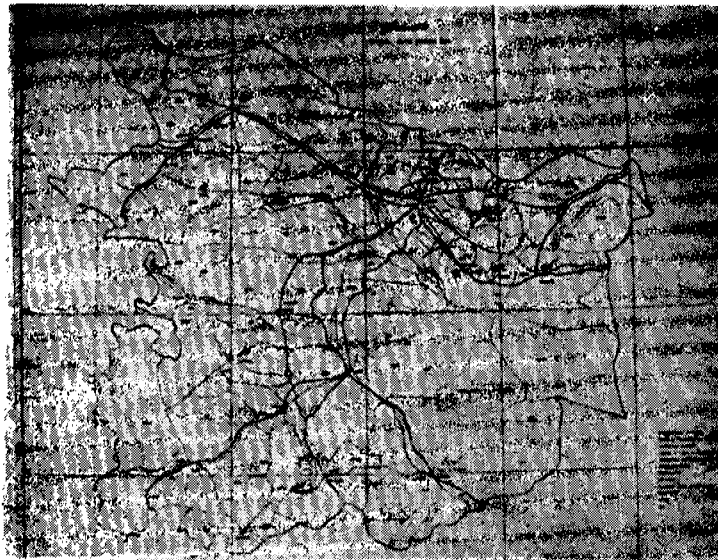
۲ - خرقان رود که از کوهستان غربی سرزمین قزوین سرچشمه می‌گیرد و در تابستان آب زیادی ندارد و سیلابهای بهاری آن به خروود می‌ریزد .

۳ - آوه رود که از کوههای بین آوه و آب گرم در مغرب سرچشمه می‌گیرد و با تغییر جهت بالاخره در شرق قریه بستانک به خروود می‌ریزد .

۴ - خروود که از کوههای قزل‌داغ خمسه سرچشمه می‌گیرد و به سمت خاور روان است . این رودخانه بندریج آب سه رودخانه مذکور و سایر سیلابهای طرفین خود را دریافت می‌کند و پس از گذشتن از دهستانهای افشاریه ، رامند و زهرا به بخش ساوجبلاغ میرسد و آب رودخانههای شور و کردان را نیز دریافت می‌کند و از آنجا رود شور نامیده می‌شود . جریان این رود بالاخره با رودخانه کرج ضمیمه میشود و به نام رود شور به دریاچه قم میرود .

در سرزمین قزوین فعلاً يك معبر اصلی و دوم معبر فرعی به صورت دوساق و قاعده مثلث وجود دارد^۷ . معبر اصلی از شهر قزوین چون دوساق مثلث از شرق به تهران و ری و از غرب به زنجان و همدان راه میدهد (شکل ۲) . یکی از دو معبر فرعی چون وتر مثلث از جلگه ری به راه همدان میرسد . این معبر به احتمال قوی همان جاده شرقی - غربی ایران باستان است که بعداً جاده ابریشم نامیده شده و پس از ایجاد شهر قزوین احتمالاً در دوره ساسانی، به شمال یعنی از قاعده به روی دوساق منتقل شده است .

معبر فرعی دیگر چون ارتفاع مثلث از شمال به جنوب یعنی از قزوین به بوئین می‌رسد و از آنجا به ساوه و اصفهان می‌رود . این معبر نیز در ادوار مختلف به خصوص دوره های مغول



در شمال غربی این نقشه سرزمین قزوین واقع است . در این سرزمین يك معبر اصلی به صورت دوساق و دوم معبر فرعی به صورت قاعده و ارتفاع مثلث وجود دارد

البرز ، جبال چهارگر و جبال رامند می‌باشد و فقط از مشرق به جلگه تهران و ری باز است (شکل ۱) . این موقعیت طبیعی سرزمین قزوین را به دو بخش متمایز تقسیم می‌کند : اول نواحی کوهستانی که چون نعل اسب در سه سمت واقع و ارتفاع متوسط آن ۱۵۰۰ متر است . هوای این بخش بطور کلی خوش و مطبوع است .

دوم دشت قزوین که در داخل حاشیه نعل اسبی واقع و چون يك گلابی است (شکل ۱) که سر آن در غرب و دمش در شرق و متصل به جلگه ری می‌باشد^۸ . هوای این بخش در زمستان سرد و در تابستان گرم است .

رشته‌های جبال محیط بر قزوین آن سرزمین را از نقاط مجاور جدا می‌کند و به استثنای شرق ورود به آن جز از گردنه‌های مرتفع و مجاری رودخانه‌ها به آسانی میسر نیست . گردنه‌ها و گذرگاههای مهم عبارت است از :

- گردنه‌های آلوچشمه و سلمبار بین قزوین و تنکابن .
 - گردنه‌های کوهین و ملاعلی بین قزوین و منجیل .
 - گردنه و معجرای ابهر رود بین قزوین و زنجان .
 - گردنه‌های آوه و سلطان بلاغ بین قزوین و همدان^۹ .
- طرز قرار گرفتن کوههای مذکور و حاشیه نعل اسبی سبب شده است که اکثر رودخانه‌های این سرزمین از اطراف به داخل متوجه شود و از طریق رود شور به اراضی شوره‌زار و دریاچه قم منتهی گردد . این رودخانه‌ها عبارت است از :
- ۱ - ابهر رود که از حوالی سلطانیه سرچشمه می‌گیرد

۱ - سمینار بررسی و حفاری دشت قزوین مورخ ۱۶ خردادماه ۱۳۵۰ و مصاحبه تلویزیونی دیماه ۱۳۵۰ هیأت حفاری در برنامه ایران زمین .
۲ - به مجموعهٔ دروس گروه‌های آموزشی دانشگاه تهران در نیمسال دوم سال تحصیلی ۵۱ - ۱۳۵۰ مراجعه شود .
۳ - فرهنگ آبادیهای کشور ، جلد سیزدهم ، مرکز آمار ایران ، مهر ۱۳۴۸ ، استان مرکزی ، نقشه شماره ۱ .
۴ - اطلس اقلیمی ایران ، دانشگاه تهران ، ۱۳۴۴ ، نقشه شماره ۱۰ .
۵ - مینودر ، نگارش سید محمدعلی گلریز ، تهران ۱۳۳۷ ، ص ۷۹۹ و ۸۰۰ .
۶ و ۷ - فرهنگ آبادیهای کشور ، جلد سیزدهم ، مرکز آمار ایران ، مهر ۱۳۴۸ ، استان مرکزی ، نقشه شماره ۱ .
۸ - Iran parthes et Sasanides, par R.Ghirshman, Paris, 1962, p. 226.

وصفوی دارای اهمیت بوده و سلطانیه و قزوین، پایتخت‌های آن دو دوره، را به قسمتهای مرکزی و جنوبی کشور مربوط می‌کرده است.^۹

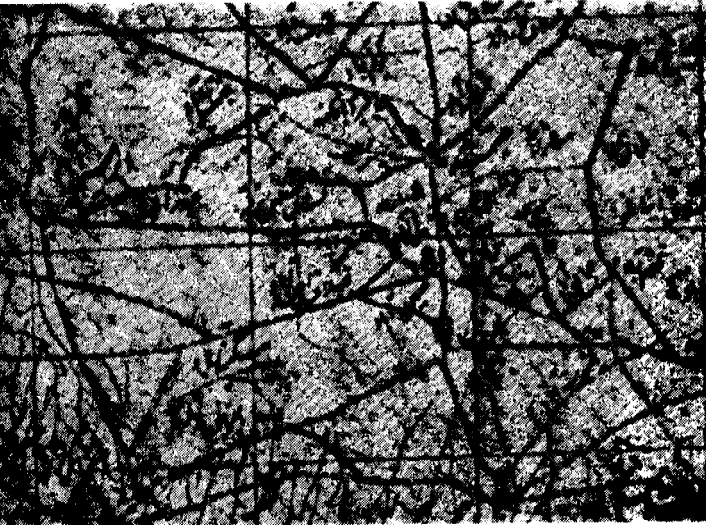
ظاهراً دشت قزوین از نواحی نعل اسبی قدیمی‌تر است و احتمالاً نقاط مختلف اطراف خررود، که از قلب دشت می‌گذرد، مساکن اولیه مردمی بوده است که در آغاز تمدن کشاورزی از کوهستان پا به دشت گذارده‌اند. وجود غارهای شمس‌کلاویه در دهستان الموت و غار حاجت‌خانه در دهستان رودبار^{۱۰} این احتمال را تقویت می‌کند و دلالت بر آن دارد که قبل از شروع تمدن کشاورزی در مرتفعات مجاور حاشیه نعل اسبی ساکنانی وجود داشته‌اند.

مردم دشت قزوین را از ابتدا دودسته خطر طبیعی و غیر-طبیعی تهدید و ناگزیر به تغییر مکان می‌کرده است. خطر طبیعی عمده مربوط به زمین‌لرزه‌های شدیدی است که در این سرزمین حادث شده و میشود و آبادیها را درهم کوبیده و می‌کوبد^{۱۱}. گذشته از این خطر عمده یک عامل مزاحم طبیعی دیگر نیز زندگی مردم را بهم می‌زده است و آن نفوذ آبها از حاشیه نعل اسبی به مرکز دشت است.

ظاهراً جریان آب از نواحی نعل اسبی به دو طریق امکان داشته است. یکی جریان سیلابهای شدید در فصل بهار یا اواخر زمستان که مسلماً در مواقع خیلی شدید موجب خرابی مساکن و مزارع می‌شده است و دیگر نفوذهای زیرزمینی که در مرکز دشت موجب باتلاقی شدن اراضی و تولید حشرات موذی، از جمله پشه بوده است.

عامل مزاحم سوم بادهایی است که از یک جناح حاشیه نعل اسبی در جهت جناح دیگر آن جریان دارد. این دو باد مهم در زبان محلی راز و مه است که اولی از جنوب شرقی در جهت شمال غربی و دومی از شمال غربی در جهت جنوب غربی می‌وزد. باد اولی در تابستان بسیار گرم و غالباً بیمارکننده است و باد دومی رویهم‌رفته سرد است و بخصوص در اواخر شهریور و اوایل پائیز مزاحم می‌باشد. در کنار این دو جریان، دو باد پس‌راز و پس‌مه نیز تقریباً از مشرق به مغرب و خلاف آن می‌وزد و گرد و خاکهای اذیت‌کننده ایجاد می‌کند.

خطرات غیر طبیعی بیشتر عبارت از مهاجمات طوایف و قدرتهای مختلف و جنگ وجدالهایی است که طی قرون و اعصار به علت اهمیت زراعی و نظامی دشت قزوین به عمل آمده است. این خطرات طبیعی و غیر طبیعی موجب شده که احتمالاً ساکنین این سرزمین در داخل نواحی نعل اسبی جایجا شوند و یا راه خارج آن را در مسیر خررود، جهت شرق، پیش گیرند و در مسیر حرکت خود تمدنهای تازه‌ای بوجود آورند و در تمدنهای سایر نقاط ایران اثر بگذارند. شاید در نتیجه حفاریهای دشت



نقشه تقریبی بخش بوئین‌زهرها که چهار ده مهم آن: بوئین، سگزآباد، اراهمی‌آباد و عصمت‌آباد در چهار گوشه یک دوزنقه فرضی دیده میشود

قزوین نظر باستان‌شناسان جوان ایرانی، درباره اینک تمدن کشاورزی از دشت قزوین به شرق و قلب فلات ایران آغاز و روان شده تحقیق یابد^{۱۲}.

وضع تاریخی حوزه حفاری

در دو سال گذشته فعالیت‌های هیأت حفاری گروه باستان-شناسی و تاریخ هنر در بخش بوئین‌زهرها، واقع در جنوب سرزمین قزوین، صورت گرفته است. این بخش شامل سه دهستان قدیمی و تاریخی است:

دهستان دشتی - این دهستان از شمال به دهستان اقبال، از شرق به دهستان بشاریات، از جنوب به دهستان زهرا و رامند و از غرب به جاده شوسه همدان و دهستان قاقرزن محدود

۹ - جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، تألیف لسترنج، ترجمه محمود عرفان، تهران ۱۳۳۷، ص ۲۴۷ و نقشه شماره ۵؛ وجود کاروانسرای محمدآباد و پهل نزدیک آن در ۳۰ کیلومتری جنوب قزوین اهمیت این راه را تأیید می‌کند.

۱۰ - سرزمین قزوین، بررسی و نوشته دکتر پرویز ورجاوند، تهران ۱۳۴۹، ص ۲۰۷ و ۲۴۹.

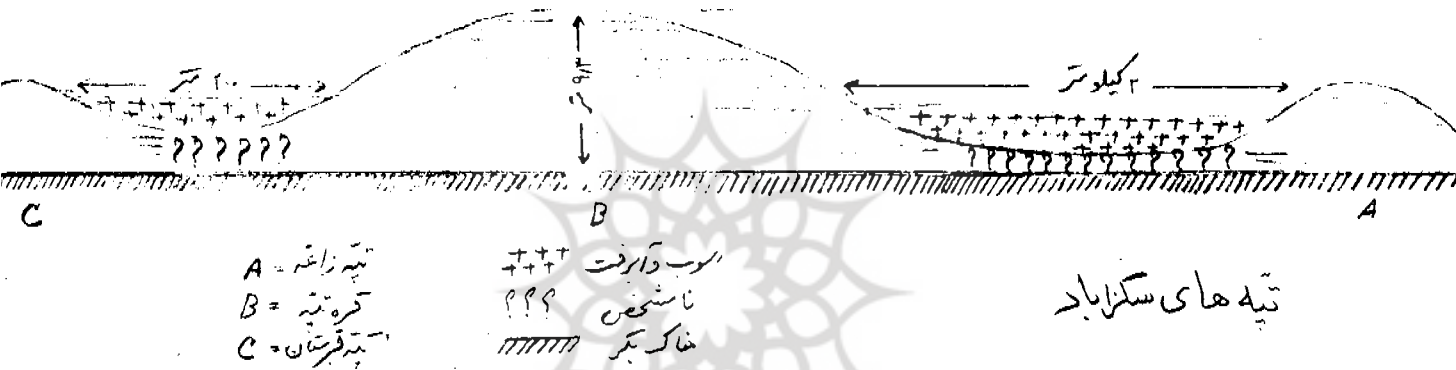
۱۱ - آخرین زلزله بزرگ دشت قزوین در تاریخ ۱۳۴۱/۱۰/۱۰ در منطقه‌ای تقریباً بمساحت ۶۵ هزار کیلومتر حادث شده است.

۱۲ - سمینار ۱۶ خردادماه ۱۳۵۰ هیأت حفاری دانشگاه تهران تشکیل شده در باشگاه دانشگاه؛ اخبار دانشگاه، مورخ دوشنبه ۲۴ خردادماه ۱۳۵۰.

ومرکز آن قصبه ارداق است^{۱۳}.

دشتی مخفف دشت آبی است که بعضی مورخین آن را دشتی نوشته‌اند. دشتی از سرزمینهای نامی و کهن است که نام آن در اکثر تواریخ قبل از اسلام و بعد از اسلام آمده و احتمالاً دشتی همان دشت قزوین است که دهستانهای سردرود و درجزین همدان و خلیجستان قم نیز جزء آن بشمار می‌آمده است. دشتی در اعمار قدیمه آبادان و دارای اهمیت بسزائی بوده و قبل از ورود آریاها با طوایف جنگجو و سلحشور مارد یا مرد مجاور بوده است. بر طبق مندرجات بعضی از تواریخ، حاکم دشتی از بین شخصیت‌های طراز اول دوره ساسانی انتخاب میشد و برای نشان دادن درجه اهمیت این حکام می‌گویند وقتی، بموجب وصیت یکی از ملوک روم، یزدگرد ساسانی خواست نیابت ولیعهد او را معین کند پرنیان حاکم دشتی را در نظر گرفت^{۱۴}.

خررود، از شرق به دهستان اشتهارد و ساوجبلاغ، از جنوب به کوههای آراسنگ و آقچه مزار و از غرب به دهستان رامند^{۱۷}. مرکز این دهستان قصبه بوئین است که در عین حال مرکز بخش نیز محسوب می‌گردد. این دهستان نیز جزء دشتی و بهمان قدمت بوده است. دهات زهرا اکثر در دشت و بعضاً در قسمت جنوبی حاشیه نعل اسبی واقع است و آب و هوای آنها در حاشیه سرد و مطبوع و در دشت متمایل به گرمی است. چهار ده مهم این دهستان: بوئین، سگر آباد، ابراهیم آباد و عصمت آباد است (شکل ۳) که در چهار گوشه يك ذوزنقه فرضی قرار دارد^{۱۸}. بخش زهرا شامل تپه‌های باستانی و تاریخی مهمی است که بعضی از آنها به این قرار می‌باشد: تپه لیا، تپه زلیخا و تپه آقا بابا^{۱۹} در دهستان دشتی و احتمالاً مربوط به دوره ساسانی و اوایل دوران اسلامی. یاسین تپه، تپه اسفرورین و تپه دانشفهان^{۱۹} در دهستان



وضع تقریبی تپه‌های سگر آباد، حوزه حفاری گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران، واقع در ۶۵ کیلومتری جنوب غربی شهر قزوین

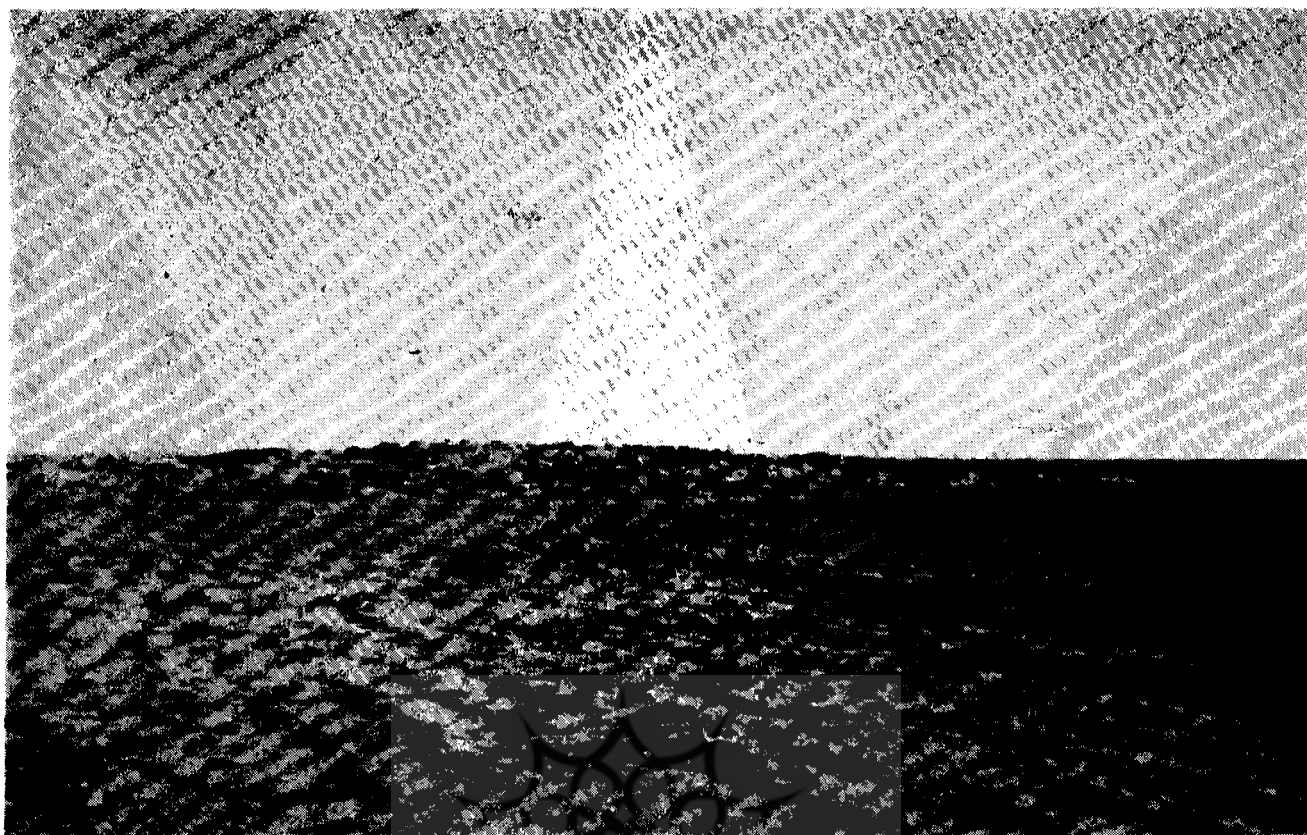
رامند و احتمالاً مربوط به دوران اسلامی و قبل از آن. تپه دولت آباد در نزدیک بوئین، مشکین تپه در نزدیک عصمت آباد^{۱۹}، تپه برموه در نزدیک ابراهیم آباد و بالاخره تپه‌های سگر آباد که محل حفاری هیأت بررسی و حفاری دانشگاه بوده است.

- ۱۳ و ۱۴ - مینودر، تألیف سید محمدعلی گلریز، تهران ۱۳۳۷، ص ۹۲۵ تا ۹۳۳.
- ۱۵ - فرهنگ آبادیهای کشور جلد سیزدهم، مرکز آمار ایران، مهر ۱۳۴۸، استان مرکزی، نقشه شماره ۲.
- ۱۶ - به رفرانس ۱۹ مراجعه شود.
- ۱۷ و ۱۸ - مینودر، تألیف سید محمدعلی گلریز، تهران ۱۳۳۷، ص ۹۵۰ تا ۹۵۸ و نقشه مقابل ص ۹۵۸.
- ۱۹ - سرزمین قزوین، بررسی و نوشته دکتر پرویز ورجاوند، تهران ۱۳۴۹، ص ۲۷۳ و ۳۷۹ و ۲۶۵.

این دشت در معرض تاخت و تاز ماردها و آشوریها و بعداً مورد مهاجمات دیالمه بوده و بالاخره جایگاه جنگ سپاه اعراب بوده است.

دهستان رامند - این دهستان از شمال به دهستان دشتی و قافرزن، از مشرق به دشتی و زهرا، از مغرب به جاده همدان و دهستان دودانگه و از جنوب به دهستان افشاریه محدود و مرکز آن تا کستان است^{۱۵}. دهات رامند، جز چند آبادی که در حاشیه نعل اسبی قرار دارد، در دشت واقع شده و هوای آن رویهم رفته پاکیزه و سالم است. این دهستان نیز از نقاط قدیمی سرزمین قزوین است و سابقاً جزء دشتی، که وضع تاریخی آن به اختصار گذشت، بوده است و آثار تپه‌ها و نقاط باستانی دلیل این مدعا است^{۱۶}.

دهستان زهرا - این دهستان سومین دهستان بخش بوئین زهرا و محدود است از شمال به دهستان دشتی و بشاریات و مسیر



منظره تپه اصلی سگزآباد (قره تپه). این تپه توسط حفاران غیرمجاز مضطرب شده و به ندرت در آن نقطه سالمی دیده میشود

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

موقعیت تپه‌های سگزآباد

تپه‌های سگزآباد در شمال جاده کرج - همدان و کنار راه بوئین - ابراهیم‌آباد و در ۶۵ کیلومتری جنوب غربی قزوین واقع است و بصورت سه برآمدگی، (شکل ۴) در دشت صاف اطراف خود، بچشم میخورد و عبارت است از:

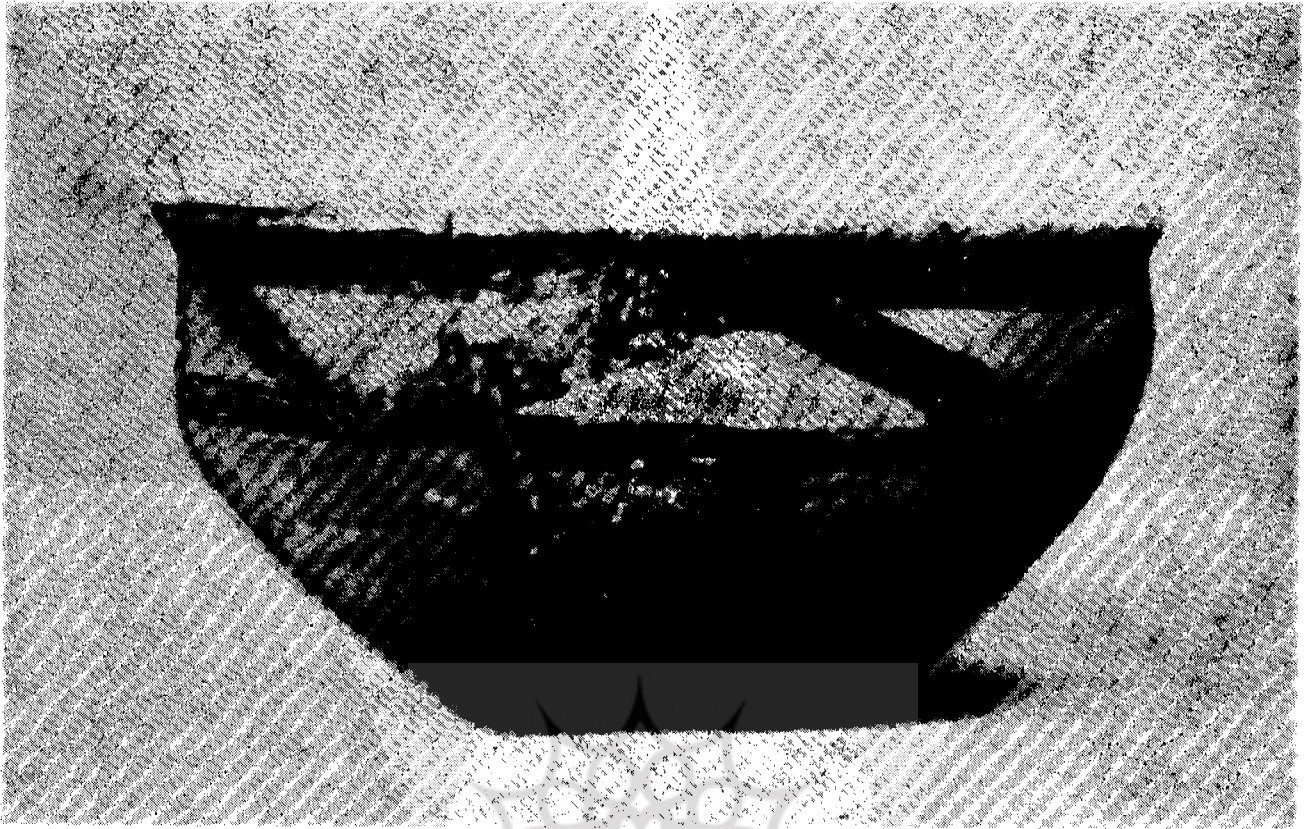
- ۱ - تپه اصلی سگزآباد بنام قره تپه (شکل ۵).
- ۲ - تپه قبرستان در ۳۰ متری غرب تپه اصلی.
- ۳ - تپه زاغه در ۲ کیلومتری شرق تپه اصلی.

قدیمی‌ترین آنها تپه زاغه است که تقریباً مدور و دارای ارتفاع کمی از سطح اراضی اطراف خود می‌باشد. این تپه، برطبق آثار معماری و قبور و اسکلتها (شکل ۶) و اشیاء سفالی و سنگی بدست آمده و همچنین با توجه به آزمایشی که از نظر کاربن ۱۴ در زغالهای بدست آمده صورت گرفته، از هزاره هفتم تا

هزاره پنجم قبل از میلاد مسکون بوده است^{۴۰}.

تپه قبرستان دارای قدمت متوسطی است و احتمالاً ساکنین تپه زاغه در نتیجه عواملی که فوقاً اشاره شد به ۲۵ کیلومتری سمت غرب منتقل شده‌اند و یا اینکه به سمت شرق کوچ کرده و عملاً آن حدود را برای دسته دیگری خالی گذارده‌اند. این تپه نیز دارای ارتفاع کم و شکل تقریباً مستطیل است. احتمالاً این تپه در اواخر هزاره پنجم مسکون گردیده و ساکنین آن، مقارن اواخر هزاره چهارم و یا اوایل هزاره سوم به تپه اصلی سگزآباد کوچ کرده‌اند و شاید هم پس از ایجاد زندگی در قره تپه مدتی هر دو جا مورد استفاده بوده است^{۴۱}.

قره تپه یا تپه اصلی سگزآباد در ۱۰ کیلومتری شمال سگزآباد و ۱۰ کیلومتری مشرق ابراهیم‌آباد واقع می‌باشد. این تپه بیضوی و کانونهای آن در جهت شمال شرقی - جنوب



قسمتی از یک ظرف سفالی ، با نقوش هندسی ، که از منطقه - D تپه اصلی سگزآباد بدست آمده است

و احتمالاً پس از آن متروک شده و ساکنین آن به نقاط دیگر کوچ کرده‌اند . می‌باید در این جا اضافه کرد که : اولاً هر سه تپه مضطرب و دست خورده است ولی اضطراب تپه اصلی سگزآباد شدیدتر می‌باشد .

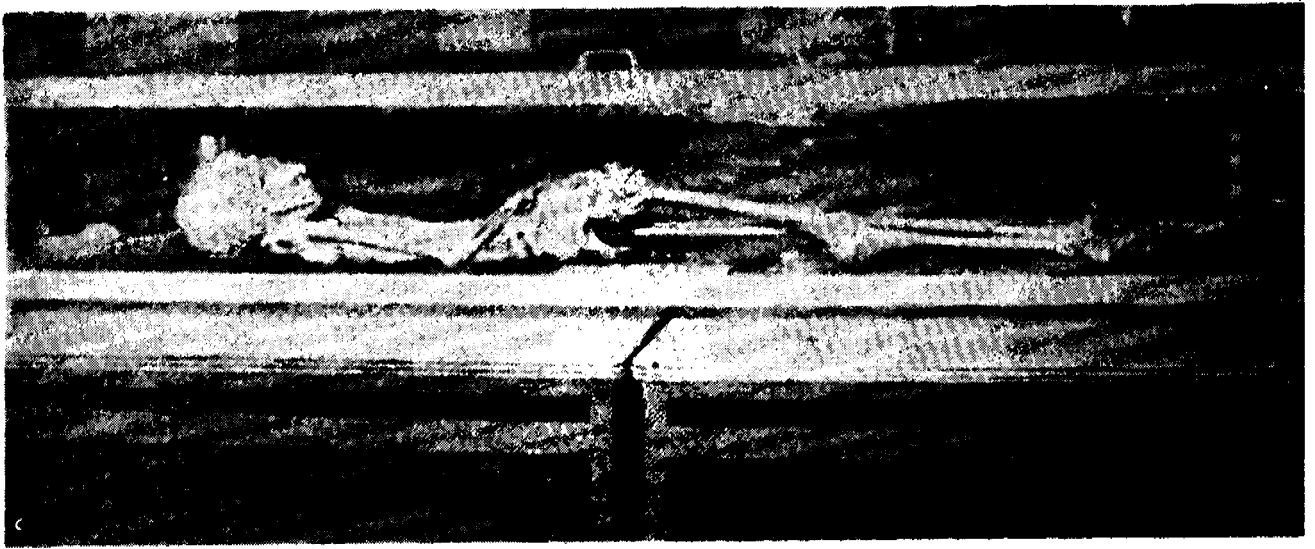
خاک اکثر نقاط اطراف آن در سالهای قبل احتمالاً برای کود اراضی نزدیک مورد استفاده قرار گرفته و جای خاکهای برداشته شده به صورت گودالهای وسیع باقی مانده است (شکل

غربی است . طول قطر اطول تقریباً ۴۰۰ و طول قطر اقصی تقریباً ۳۰۰ متر و مساحت آن حدود ده هزار متر مربع است . شیب تپه اصولاً تند است ولی چون در طی اعصار و قرون بنا بر شرایط جغرافیائی سطح اراضی اطراف آن قریب چهار متر بلند شده و ضمناً از ارتفاع قلّه تپه کاسته شده است این شیب قدری کند بنظر می‌رسد .

ارتفاع تپه تا روی خاک بکر بیش از ۹ متر است^{۲۲} و بنا بر این قسمتی که از خاک اطراف بیرون است حدود پنج متر می‌باشد و به هر صورت مجموعاً ارتفاع آن از دوتپه دیگر بیشتر ولی قدمت آن کمتر است . بر طبق طبقات ساختمانی ، سفالهای ساده و منقوش (شکل ۷) ، اشیاء فلزی و آزمایشی که از زغالهای بدست آمده انجام شده است این تپه از اواخر هزاره چهارم تا اواسط هزاره اول یعنی دوره هخامنشی متوالیاً یا متناوباً مسکون بوده^{۲۳}

۲۰ - سمینار بررسی و حفاری دشت قزوین مورخ ۱۶ خرداد ۱۳۵۰ و مصاحبه تلویزیونی دیماه ۱۳۵۰ در برنامه ایران زمین .

۲۱ تا ۲۳ - سمینار بررسی و حفاری دشت قزوین مورخ ۱۶ خرداد ۱۳۵۰ و مصاحبه تلویزیونی دیماه ۱۳۵۰ هیأت حفاری در برنامه ایران زمین ؛ روزنامه آیندگان مورخ ۲۲ خرداد ۱۳۵۰ ، ص ۴ .



بك اسكلت كه از تپه زاغه بدست آمده ومنسوب به ۶۸۰۰ سال قبل شده است

ثانياً. وسعت برشهای کاوش شده درهرسه تپه نسبت به وسعت کل آنها مختصر است و احتمالاً کاوشهای بعدی اطلاعات بیشتری بدست خواهد داد وچه بسا آن اطلاعات قدمت تپهها ویا رابطه آنها را باهم و با نقاط باستانی سایر مناطق فلات ایران روشن تر نماید ویا تغییر دهد .

(۵). سایر نقاط تپه نیز در طول زمان و احتمالاً پس از حدوث زلزله اخیر بوئین زهرا یعنی در دهساله اخیر توسط حفاران غیر مجاز حفاری شده بطوریکه در سطح آن به خصوص قلعه تپه به ندرت نقطه سالمی دیده میشود و شاید آن نقاط در زیر خاکهای مضطرب پوشیده شده است (شکل ۸) .

گوشه ای از ترانشه OXX تپه اصلی سگزآباد که ضخامت قشر خاکهای مضطرب را نشان میدهد

